

حوادث ۱۹ خرداد

تلنگر

۳ سال زندان و ديه

مجازات قتل ناخواسته رفيق

مرد جوان که با شلیک ناخواسته مرگ دوستش رارقم زده بود، به سه سال زندان و پرداخت ديه محکوم شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از آذرماه سال ۹۸ با کشف جسد خونین مردی در وانت آریسان در جاده جاجرود آغاز شد. این مرد بر اثر اصابت گلوله به سرش از پا درآمده بود. شاهدان ماجرا در تحقیقات گفتند، ضارب بعد از شلیک اسلحه را زیر ماشین پرت کرد و گریخت. در ادامه اسلحه کلت پیدا شد و ماموران با شناسایی خانواده مقتول دریافتند او آخرین بار به دیدن یکی از دوستانش به نام خسرو رفته است. خسرو دستگیر اما در تحقیقات منکر قتل عمدی شد. پرونده این تیراندازی با صدور کیفرخواست برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد که در این جلسه اولیای دم برای متهم درخواست قصاص کردند. همسر مقتول به قصات گفت: این مرد با همسر همکار بود. حاصل ازدواج من و همسر یک دختر چهارساله و پسر و هشت‌ساله است که با قتل پدرشان یتیم شدند. همسرم به خسرو خیلی کمک کرد اما او جواب خوبی‌های همسر را با قتل او داد. به همین دلیل از طرف فرزندام برای او قصاص می‌خواهم. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: من و سینا مدت‌ها بود با هم دوست و همکار بودیم. او همیشه هوای مراداشت و به من و خانواده‌ام کمک می‌کرد. روز حادثه در جاده جاجرود بودیم که او اسلحه‌ای از جیبش بیرون آورد و به من نشان داد. تا حالا با اسلحه کار نکرده بودم و نمی‌دانستم مسلح است. دستم روی ماشه رفت و گلوله‌ای شلیک شد و به سینا اصابت کرد.

رئیس دادگاه: چرا او را به بیمارستان نرساندی؟ **متهم:** گلوله به سر دوستم اصابت کرده بود و درقا فوت کرد. اگر یک درصد احتمال می‌ادم زنده باشد او را به بیمارستان انتقال می‌ادم. من انگیزه‌ای برای کشتن دوستم نداشتم. پس از رسیدگی به این پرونده، قضات عمل متهم را قتل شبه‌عمد تشخیص داده او را به سه سال حبس و پرداخت ديه محکوم کردند. با اعتراض اولیای دم، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی کشور دیروز حکم را تایید کردند.

حمله مرگبار به مهدکودک

بر اساس گزارش پلیس برزیل، در پی حمله یک مرد جوان ۱۸ساله با قمه به شیرخوارگاهی در جنوب این کشور پنج نفر از جمله سه کودک خردسال جان باختند. مهاجم پس از کشته و زخمی کردن کودکان با کارمند این شیرخوارگاه، خودش را هم با قمه بزرگی که در دست داشت، زد. به گزارش پلیس، این جوان ۱۸ساله اکنون به علت جراحات شدید در بیمارستان بستری است و حالش وخیم گزارش شده است. یک کودک دیگر هم در جریان این حمله زخمی شده که جراحات او سطحی است. پلیس می‌گوید از انگیزه پشت این حمله خونین و تاسف‌بار هنوز سر درنیاورده است. این حمله در شهری کوچک به نام سوادادس در ایالت جنوبی سنا کاتارینا روی داده است. در زمان حمله، ده‌ها کودک در داخل این شیرخوارگاه بودند و به گفته مقام‌ها کارمندان به محض متوجه شدن حضور مهاجم تلاش کردند کودکان را در گوشه کنار ساختمان پنهان کنند. پلیس می‌گوید مهاجم - که هویتش هنوز رسماً علنی نشده - ابتدا به یکی از مربیان که نزدیکی در ورودی ساختمان بوده حمله می‌کرد و بعد به دنبال او وارد ساختمان و اتاق‌ها می‌شود و با قمه به جان کودکان می‌افتد.



دستگیری سوداگران مرگ و بازرسی از محل سکونت آنان کردند. در بازرسی صورت گرفته از محل ۱۵۴کیلوگرم مواد مخدر از نوع هروئین که آماده بسته‌بندی و توزیع بود، کشف شد. در این رابطه شش متهم که دارای سوابق متعدد کیفری بودند، دستگیر و پس از تشکیل پرونده مقدماتی به مقامات قضایی معرفی شدند.

حساسیت در دستور کار مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر شهرستان پردیس قرار گرفت. مأموران پس از انجام هماهنگی‌های لازم با مراجع قضایی، طی یک عملیات مشترک با پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا با شناسایی محل موردنظر در منطقه بخش جاجرود از توابع شهرستان پردیس، در یک عملیات غافلگیرانه اقدام به

کشف محموله هروئین در جاجرود

فرمانده انتظامی شرق استان تهران از کشف بیش از ۱۵۴کیلوگرم هروئین طی یک عملیات مشترک با پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا دربخش جاجرود شهرستان پردیس خبر داد. به گزارش جام‌جم، سردار کیومرث عزیزی گفت: پس از اطلاع از فعالیت سوداگران مرگ درزمینه تهیه و توزیع گسترده مواد مخدر، موضوع به‌دلیل

گفت‌وگو با ۲برادر فیروزکوهی که با فداکاری خود مانع از وقوع فاجعه برای قطار راه‌آهن شمال شدند

وارثان دهقان فداکار

تکرار دوباره ماجرای دهقان فداکار؛ محل حادثه‌این بار روستای محمودآباد شهرستان فیروزکوه بود. روز چهاردهم اردیبهشت‌ماه، در حالی‌که امدادگران مشغول نبردتن‌به‌تن با خرابی‌های سیل ویرانگر در نقاط مختلف کشور بودند، در روستای محمودآباد فاجعه‌ای در حال رخ‌دادن بود که اگر اتفاق می‌افتاد، علاوه‌بر خرابی‌ها، انسان‌های بی‌گناه زیادی نیز جان خود را از دست می‌دادند اما با هوشیاری دوبردار محمودآبادی، این حادثه ختم به خیر شد تا دوباره نام و ماجرای فداکاری ریزعلی خواجوی، معروف به دهقان فداکار در ذهن‌ها تکرار شود.

حالا در روستای محمودآباد، آرامش کامل برقرار است. نه پلی خراب شد، نه دیزل و واگن به درون سیل خروشان سقوط کرد، نه جان انسانی گرفته شد و نه حتی قطره خونی از بینی کسی بیرون آمد. ناجیان، دو برادر به نام‌های جواد و عباس کریمی هستند. جواد که کشاورز و ۳۰ساله است، اولین‌کسی است که اتفاقی متوجه این حادثه شد. او در گشت‌وگو با خبرنگار جام‌جم از لحظه وقوع حادثه می‌گوید: «خانه من نزدیک دره‌کندو در محمودآباد

جان یک نفر هم مقدس است

سیل خروشان با سرعت بسیار زیادی در حال پیشروی بود و جواد با صدایی نگران در حال توضیح شرایط به برادرش بود. عباس که ۴۰ساله و کارمند راه‌آهن تهران و شمال است، پس از قطع تماس برادرش به‌سرعت دست به کار شد. او خوب می‌دانست اگر جلوی قطار را نگیرد، فاجعه در انتظار روستا، اهالی و قطار خواهد بود.

او به جام‌جم می‌گوید: «برادرم گفت سریع خودت را به راه‌آهن برسان که سیل دارد نزدیک می‌شود و شاید خط را مسدود کند. چون خودم کارمند راه‌آهن هستم، می‌دانستم قطار باری تهران- شمال به‌زودی به محل حادثه نزدیک می‌شود.

پنج دقیقه بعد از قطع تماس تلفنی برادرم، صدای قطار را شنیدم. فقط ۳۰۰متر مانده بود تا قطار به پل برسد و دیر می‌جنبیدیم، سیل و قطار با هم شاخ به شاخ می‌شدند. سریع به پسرخاله‌ام گفتم خودت را برسان و از چند نفر از اهالی روستا و فامیل‌هایم هم کمک خواستم. قطار باری اگر بار داشته باشد، حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰متر طول می‌کشد تا بعد از ترمز به‌طور کامل بایستد.

برای همین باید قطار را قبل از رسیدن

جان یک نفر هم مقدس است

به پل و سیل متوقف می‌کردیم. وقتی قطار را از فاصله ۴۰۰- ۳۰۰متری دیدیم، همه با هر وسیله‌ای‌که داشتیم روی ریل رفتیم و یکی با چوب و دیگری با داد و فریاد سعی کردیم راننده قطار را متوجه خود کنیم. خوشبختانه لکوموتیوران، چراغ‌هایش را به نشانه دیدن اهالی و علامت‌هایشان روشن کرد و قطار حدود ۳۰متر قبل از رسیدن به پل و برخورد با سیل متوقف شد.

راننده تحت هیچ شرایطی نمی‌توانست سیل را ببیند و اگر اهالی داد و هوار نمی‌کردند و جان‌شان را به خطر نمی‌انداختند، امکان نداشت با آن بار به‌موقع متوقف شود.»

بعد از متوقف کردن قطار، اهالی منتظر ماندند تا سیل فروکش کند. وقتی ارتفاع سیل از سطح پل پایین‌تر رفت، راننده قطار آماده حرکت شد: «بنده خدا راننده قطار خیلی وحشت کرده بود و هم خودش و هم کمکش به ما گفتند دم‌تان گرم، سیل بسیار وحشتناکی بود.

اگر جلوی قطار را نمی‌گرفتیم، علاوه‌بر خرابی احتمالی پل، دیزل‌ها با ۲۰اتن وزن و واگن‌ها با ۸۰اتن بار واژگون می‌شدند و خدا می‌داند چه حوادث دیگری بر می‌داد. اگر دیزل پرت می‌شد، یا جان راننده یا کمک‌راننده به خطر می‌افتاد،



قاتل پشیمان و همدستانش در ترکیه تسلیم شدند

مرد جوان که بعد از درگیری خیابانی در محله خزانه تهران هم‌محلی‌اش را کشته و همراه برادرش و یکی از اقوامش به ترکیه گریخته بودند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، شامگاه بیست‌وششم اسفند سال گذشته درگیری در یکی از خیابان‌های محله خزانه پایتخت رخ‌داد و باعث مرگ مردی جوان شد. تحقیقات

فرشید، متهم به قتل در جریان تحقیقات گفت: قصد قتل نداشته و پشیمانم. شب درگیری فقط خواستم از خودم دفاع کنم و با چاقوی افتاده از دست مرد جوان، به سمتش ضربه‌ای انداختم که باعث مرگ وی شد. او هم‌محلی‌مان بود و برای اهالی مزاحمت ایجاد می‌کرد. برادرم بابت این رفتارهایش به او اعتراض کرد. چند روز قبل از مرگش هم راه برادرزاده‌ام را سد کرد و پیغام داد بدرت و عموهایت را به زودی می‌کشم.

شب چهارشنبه‌سوری، مقتول و دوستانش در خیابان با برادرم درگیر شده بودند. من و برادرم و یکی از اقوام‌مان وقتی با خبر شدیم، به محل درگیری رفتیم. دوستان مقتول به خودروی پژوی ما حمله‌ور شدند و شیشه‌ها را شکستند. دعوا بالا گرفت، مقتول با چاقو می‌خواست مرا بکشد که چاقو از دستش روی زمین افتاد. من هم آن را برداشتم و دو ضربه زدم تا از خودم دفاع کنم و او بترسد و برود که زخمی شد و ما همه فرار کردیم. آن شب به ویلای دوستان در کرج رفتیم. روز بعد به بیمارستان زنگ‌زده و فهمیدم جوان زخمی فوت شده‌است. بعد هم قا چاقی به ترکیه رفتیم. در آنجا فهمیدیم برادرمان دستگیر شده و به کنسولگری ایران در ترکیه رفته و خودمان را تسلیم کردیم و به ایران منتقل شدیم.

با اعتراف او، دو همدستش هم به شرکت در درگیری مرگبار اعتراف کردند. با صدور قرار قانونی برای متهمان آنها روانه بازداشتگاه اداره‌دهم پلیس آگاهی پایتخت شدند.

ترس عوارض واکسن کرونا، جان مرد جوان را گرفت

استرس‌های عوارض بعد از تزریق واکسن کرونا، باعث سکنه و مرگ مرد جوان شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، چند روز پیش عابری در حال عبور از کنار پل عابری‌پاده در محله کمیل تهران با مردی حدود ۳۰ساله روبه‌رو شده که ناپلونی از دارو در دست داشت و روی پله‌های پل افتاده بود. گمان کرد که حال او بد شده و بی‌هوش است. چند بار او را صدا زد اما پاسخی نشنید. سمتش رفت و پی برد که او نفس نمی‌کشد. ترسید و به پلیس خبر داد. با توجه به مدارکی که همراه مرد فوت‌شده بود هویت او شناسایی شد. همچنین در جیب کت او دستنوشته‌ای پیدا شد که در آن نوشته شده بود من به‌تازگی واکسن کرونا را تزریق کرده‌ام اما مدام می‌ترسم این واکسن برایم عارضه ایجاد کند و فوت کنم. خیلی می‌ترسم و از شدت استرس نمی‌دانم چه کنم. آرامش را زندگی‌ام رفته است. ماموران همچنین از روی دفترچه بیمه‌ای که داخل ناپلئون دارو بود متوجه شدند اواز داروخانه‌ای در نزدیکی محل کشف جسد، دارو خریده بود. خانواده مرد جوان پس از شناسایی جسد او اعلام کردند، او بعد از تزریق واکسن دچار استرس و نگرانی شده و می‌ترسید عوارض واکسن باعث مرگش شود. امروز هم برای خرید دارو به داروخانه رفت و دیگر برگشت که از طریق تماس پلیس متوجه مرگش شدیم. محمد وهابی، بازپرس شعبه دوم داد‌سرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: بررسی‌های پزشکی قانونی مشخص کرد استرس‌های زیاد باعث شده که او بر اثر سکنه فوت کند.